



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۰۸/۰۶

رنگریز

آیا واقعاً هژمونیزم پشتون وجود دارد؟

آیا آنانیکه از هژمونیزم پشتون و حاکمیت پشتونها صحبت می کنند، آب در هاون نمی کوبند و گردباد طفلانه راه نیانداخته اند؟

آیا شرافتمندانه خواهد بود که موجوداتی از نوع سیاف و احدی و کرزی و گلبدین را بزرگان پشتون ها بدانیم و آیا احمقانه تر نیست که ربانی، فهیم، اسماعیل، دوستم و محقق را از بزرگان اقوام تاجیک، ازبیک و هزاره قلمداد کنیم؟ و بالاخره کجاست آن هژمونیزم پشتون که نمی تواند سدی شود برای هولوکاست پشتون ها؟ بعضی ها بنجل های را در سطح خودشان بیرون می ریزند...

من عجالتاً از کشتن وقتم در این زمینه جلوگیری می کنم، ولی می خواهم بحثم را بر "هژمونیزم پشتون" متمرکز کنم.

در کشور ما تحصیل کرده ها (به خودم اجازه نمی دهم که از کلمه روشنفکر استفاده کنم، زیرا یک اندیشمندی ارزنده ترین تعریفی از یک روشنفکر ارائه کرده است، او می گوید که روشنفکر در جهان ما کسی است که بر ضد استبداد در کنار خلقش قرار بگیرد؛ ولی تحصیل کرده های ما چنین نیستند و برخلاف تعریف آن زنده یاد نه در کنار خلق، بلکه در کنار استبداد قرار می گیرند و از اینرو نمی خواهم به کلمه روشنفکر توهینی روا بدارم) چه شنو نیست های پشتون و چه ناسیونالیست های کور قومی غیر پشتون گردباد را می اندازند و خاینان کشور ما را به قوم و ملیت شان منسوب ساخته و بر تمام قوم و ملیت می تازند و عقده های فاشیستی شان را فرو می نشانند و بدین صورت ماهی های دلخواه می گیرند.

دولت (حکومت، پارلمان، قضا) ماشین سرکوب طبقات محکوم بوسیله طبقه حاکم است. هیچ دولتی نمی تواند ماورای طبقاتی برخورد کند و جدا از منافع طبقاتی اش بیاندیشد. دولتی که امروز در افغانستان حاکم است با در نظر داشت جامعه طبقاتی افغانستان تضمین کننده منافع طبقه معین است. در جامعه طبقاتی، تضاد میان طبقه حاکم و طبقات محکوم آشتی ناپذیر است و از اینرو به دولت (ماشین سرکوب) نیاز دیده می شود.

دولت کنونی از لحاظ ماهیت سیاسی اش متشکل از کمپرادورها و فیودالهای مذهبی است. عده ای از منافع کمپرادورها دفاع می کنند و عده ای هم از منافع فیودال ها و هر دو از منافع امپریالیزم جهانی . از اینرو اگر حق استفاده از اصطلاح هژمونیزم را داشته باشیم، بایدانرا از حیطة قومی کشید و رنگ طبقاتی داد و از هژمونیزم طبقاتی سخن گفت.

اتمر، احدی، رامین، عادل، امین رسول، سنگین، فاطمی، پشتون، خدایداد، قرقین، سپنتا، اعظم و... عروسک های خیمه شب باز هژمونیزم سرمایه داری کمپرادور هستند و ربانی، یونس، رسول، اسماعیل، جبار، خلیلی، محقق، داود، عطا، دین محمد، دوستم، پیرم قل، حضرت علی، فهیم، نورزی و... خاله مردکهای هژمونیزم فیودالی . این دو هژمونیزم با آنکه تضاد های سلیقه ای دارند، ولی در کل برای منافع امپریالیزم جهانی تلاش می ورزند و هر یک وظیفه دارد تا بر کرده های قوم شان سوار شده به دهل امپریالیزم برقصند.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

از اینرو کسانی که عقل شان در چشمشان است، گردباد راه می اندازند و کف بر دهن، بجای هژمونیزم طبقاتی از هژمونیزم پشتون صحبت می کنند و در دو جبهه همچون خدمت گزاران بی مزد خدمت می کنند: یکی برای آنانی که به خاطر سوده‌های طبقاتی شان بر گرده های هم‌تبار خود سوار اند و خون آنان را می ریزند و دوم برای "دوستان جامعه جهانی" شان، تا از این اختلاف سود برده و چون عراق کشور ما را به جغرافیای محدود ملیتی و زبانی تقسیم کنند تا بهتر و آسانتر سود ببرند.

اینجا هژمونیزم طبقاتی و اقتصادی است، نه هژمونیزم ملیتی و سمتی. احدی و اتمر و شینواری و مجددی و خلیلی و دوستم و عبدالله و فهمیم و ربانی و کرزی و مسعود و قانونی همه و همه بر دسترخوان دموکراسی بیگانه ها! پوز گرفته بر اقوام شان می خندند و تعهد می سپارند تا بیشتر بکشند، بیشتر غارت کنند، بیشتر بدزدند، بیشتر تفرقه بیندازند و بیشتر کشور را مستعمر نمایند.

امروز در کنار اینکه تمام اقوام ستمدیده کشور ما بدترین ستم ملی و طبقاتی می کشند، ولی هولوکاست مدرن بیگانه ها قوم شریف پشتون را به پرتگاه تاریخ سوق داده است. اگر هولوکاست دیروز را هیتلر براه انداخت هولوکاست امروزی پشتونها از سوی ریمبوهای دموکراسی در شکل مدرن آن راه اندازی شده است.

وقتی که بمب های ترموباریک و خوشه ای بهتر می تواند انسان را از پا درآورد، نیازی به کوره های آدم سوزی هیتلر نیست!

امروز پشتون ها در کنرها، ننگرهار، پکتیا، پکتیکا، زابل، خوست، غزنی، هلمند، کندهار، زرنج، فراه، هرات، ارزگان، باجور، وزیرستان شمالی و جنوبی، ایجنسی های مومند و خیبر، پشاور و... بمباران می شوند، در عملیات انتحاری نوکران مذهبی واشنگتن و لندن کشته می شوند، نسل اندر نسل در مزرعه های کوکنار زندگی برزخی می گذرانند، شفاخانه های و مکاتب شان می سوزد، معلم شان سر بریده می شود، بر مراسم عروسی شان بمب می ریزد و یورانیوم تھی شده می خورند و هولوکاست قرن بیست و یکم بنام پشتون ها مسمی می شود؛ کجاست آن هژمونیزم پشتون؟

کرزی، اتمر، احدی، یوسف، سنگین، وردک (به طاقت دو)، سیاف و شینواری پشتون با محقق، قانونی، ربانی، عبدالله، فهمیم، خلیلی، ضیا مسعود و اسماعیل غیر پشتون؛ هولوکاست پشتون ها و ستم ملی و طبقاتی بر پشتون ها، تاجیک ها، هزاره ها، پشه ای ها، بلوچ ها، ایماق ها، نورستانی ها را در چوکات پیمان ستراتژیک با امریکا دید. و از این جهت هیچ منطقی نیست که از هژمونیزم پشتون سخن راند و روده درازی کرد.

اگر شهروند صدیق افغانستان هستید، ایجاب می نماید که از این بازیهای بیگانه بگذرید، هژمونیزم "جامعه جهانی" تان را آماج قرار داده و بر هژمونیزم طبقاتی تف بریزید، نه بر پشتون ها، تاجیک ها، هزاره ها، ازبک و ترکمان ها.